



سرشت و سرنوشت انقلاب

«سرشت انقلاب» بحث مهمی است که اندیشمندان بسیاری در مورد آن صحبت کرده‌اند اما با این حال، نظریات جامعه‌شناسی انقلاب آنچنان که باید در تبیین آن موفق عمل نکرده‌اند. به نقل از استاد دکتور محمدحسین پناهی، انقلاب اسلامی، انقلابی در نظریه‌های انقلاب ایجاد کرد و عامل فرهنگ را به نظریات انقلاب وارد کرد.

انقلابی با انگیزه «ملی» و ابعاد «فراملی»

تقویت «بصیرت فراملی» رمز تداوم انقلاب ما است

دکتر علی انتظاری

رئیس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی

انقلاب اسلامی با یک «انگیزه ملی» آغاز شد ولی محدود به ملی نماند و به یک انقلاب فراملی تبدیل شد و آن چیزی که در نقش داشت، همین جهت‌گیری فراملی است

«بصیرت فراملی» در بدنه جامعه شده است و باعث شده تا مردم به این مهم وقوف پیدا کنند که در یک جهانی زندگی می‌کنیم که معادلات در آن «ملی» نیست هرچند جامعه‌شناسان و سیاستمداران ما هنوز در مرزهای ملی گرفتارند و نقدشان از قدرت، نقد ملی است؛ غافل از اینکه قدرت در زمانه ما دیگر «امری فراملی» شده است. در زمانه ما اقتصاد فراملی است. وقتی ما با صدور انقلاب در برابر الگوی جهان می‌ایستیم، طبیعی خواهد بود که آنان اقتصاد ما را در وضعیت تحریم و تنگنا قرار دهند. از این رو، راز ماندگاری انقلاب در تزیق همین آگاهی و بصیرت فراملی در بدنه جامعه است و اتفاقاً دشمن با همه فشارهایی که علیه انقلاب ما اعمال می‌کند، بیش از پیش به تقویت این آگاهی و بصیرت منجر شده است. بر این اساس، حتماً یک عامل بسیار مهم، در تداوم انقلاب، تقویت بصیرت فراملی است و این آن چیزی است که باید در دستور کار قرار داد و پی آن را گرفت.

اصطلاح «جهانی شدن» از عبارت «قطب جهان نما» استفاده کنیم! اما فارغ از زمینه و ریشه‌های پیروزی انقلاب اکنون که در دهه پنجم آن بسر می‌بریم، یکی از پرسش‌های اصلی و کلیدی که مطرح می‌شود این است که راز ماندگاری انقلاب اسلامی چیست؟ به نظر می‌رسد که عملکرد و اقدامات ما در زمینه‌هایی چون اقتصادی و فرهنگی چندان در این ماندگاری اثرگذار نبوده است و شاید بتوان در رسیدن به این سطح از «بصیرت فراملی» سهم بیشتری را برای دشمن قائل شد بدین معنا که تحریم و مشکلات اقتصادی... اتفاقاً منجر به افزایش

نقش داشت، همین جهت‌گیری فراملی انقلاب اسلامی است. انقلاب اسلامی زمانی اتفاق افتاد که جهان در حال فراملی شدن بود البته خیلی‌ها از این «فراملی شدن» به «جهانی شدن» تعبیر می‌کنند اما واقعیت این است که واژه جهانی شدن اساساً جعلی است یعنی چیزی به نام جهانی شدن وجود ندارد. جهان بودگی در کار نیست. جهان اساساً قطبی است و یک قطب است که خود را به عنوان جهان معرفی می‌کند، بدین معنا که اقتصاد خود را به عنوان اقتصاد جهان، قدرت خود را به عنوان سیاست جهان و فرهنگ خود را به عنوان فرهنگ جهان معرفی می‌کند و شاید بهتر باشد به جای

در کنار اهمیت شخصیت کاریزماتیک حضرت امام (ره)، تحریک ارزش‌های محوری جامعه عامل مهم دیگری بود که روند پیروزی انقلاب را قدرت و سرعت بخشید و به تعبیری این دو، کاتالیزور وقوع انقلاب بودند. یکی از ارزش‌های محوری که در جریان پیروزی انقلاب، برجسته شد، غیرت مردم بود و دلیل برجسته شدن این ارزش هم ولنگاری‌هایی بود که آن زمان در سینما و سایر ساحت‌های فرهنگی رایج شده بود. واقعیت این است که انقلاب اسلامی با یک «انگیزه ملی» آغاز شد ولی محدود به ملی نماند و به یک انقلاب فراملی تبدیل شد و آن چیزی که در تداوم انقلاب اسلامی

معتمد بودند که انقلاب اختصاص به یک گروه خاص ندارد و قرار نیست ما با خشونت انقلاب کنیم و با اینکه یکی از ویژگی‌های انقلاب، خشونت است اما کم خشونت‌ترین انقلاب را در انقلاب اسلامی شاهد هستیم. انقلاب اسلامی متأثر از عوامل مختلفی رقم خورد و نمی‌توان به آن، تک عاملی نگریست. وقوع یک انقلاب و به‌طور مشخص انقلاب اسلامی تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل و متغیرها صورت پذیرفت اما با این حال، یکی از مهم‌ترین زمینه‌ها و عوامل پیروزی انقلاب اسلامی، کاریزمای حضرت امام (ره) بود به گونه‌ای که اگر رهبری انقلاب، در دست ایشان نمی‌بود؛ چه بسا اساساً انقلابی رقم نمی‌خورد.

«سرشت انقلاب» بحث مهمی است که اندیشمندان بسیاری در مورد آن صحبت کرده‌اند اما با این حال، نظریات جامعه‌شناسی انقلاب آنچنان که باید در تبیین آن موفق عمل نکرده‌اند و به نقل از استاد دکتور محمدحسین پناهی، انقلاب اسلامی، انقلابی در نظریه‌های انقلاب ایجاد کرد و عامل «فرهنگ» را به نظریات انقلاب وارد کرد. همه اهتمام‌اش این بود که تمام گروه‌های اجتماعی در جریان انقلاب حضور داشته باشند و این نکته‌ای بسیار مهم و ویژه برای انقلاب اسلامی ما است که در انقلاب‌های دیگر دیده نشده است. به همین دلیل همه افسار اجتماعی در انقلاب مشارکت داشتند. رویکرد حضرت امام (ره) در انقلاب ما رویکرد خاصی بود و



راز ماندگاری انقلاب ما رسیدن به نوعی بصیرت فراملی است. تحریم و مشکلات اقتصادی... اتفاقاً منجر به افزایش «بصیرت فراملی» در بدنه جامعه شده است و باعث شده تا مردم به این مهم وقوف پیدا کنند که در جهانی زندگی می‌کنیم که معادلات در آن «ملی» نیستند هرچند جامعه‌شناسان و سیاستمداران ما هنوز در مرزهای ملی گرفتارند و نقدشان از قدرت، نقد ملی است غافل از اینکه قدرت در زمانه ما دیگر امری فراملی شده است.



بشر

داشتند. همانگونه که طبیعت انسان تغییر می‌کند، طبیعی است انقلاب هم تغییر کند. بنابراین برای «تداوم اندیشه انقلاب» باید به این «تغییر» حساس بود و از ایمان خود مراقبت کرد. بی‌تردید، انقلاب ما هم مثل دیگر انقلاب‌ها پس از پیروزی به مراقبت نیاز دارد. شاگردان اول انقلاب، شهید یا جانباخته شدند. از این رو، کسانی که باقی مانده‌اند، باید نسبت به حفظ ایمان خود مراقبت کنند.

شهدا نخبگان جهان خلقت‌اند

انقلاب ما هم مثل بقیه انقلاب‌ها، ریزش داشته است اما در کنار ریزش، رویش هم داشته‌ایم. دلیل اینکه انقلاب تا امروز پابرجا مانده، نیت صادق افراد آن بوده است. افرادی که در انقلاب بودند، نیتی جز رضایت خداوند نداشتند. امروز هم مردم ما چنین هستند و ایمانشان به اسلام، فرادولتی است. این ایمان از جای دیگری سرچشمه می‌گیرد که باید قدردان آن بود و آن شهدا هستند؛ شهدا نخبگان جهان خلقت‌اند.

نگاه انسان‌شناختی حضرت امام (ره) انسان جدیدی را به دنیا معرفی کرد

دستاورد دیگر انقلاب اسلامی ایران، نگاه انسان‌شناختی حضرت امام خمینی (ره) است. قبل از انقلاب، انسان به یک موجود مادی تقلیل داده می‌شد و نظام سلطه جهانی نیز بر طبل این مادی‌گرایی می‌کوبید و با تحقیر هویت ما، به اهداف خود جامعه عمل می‌پوشاند. بی‌تردید بین تحقیر و سلطه رابطه هست، به همین دلیل اروپایی‌ها برای اینکه بتوانند سلطه داشته باشند، تحقیر می‌کردند و در این وضعیت، کسی متعرض به وضع موجود نبود. اما حضرت امام (ره)، انسان دیگری را به دنیا معرفی کرد که عقل در سر و عشق در قلب داشت و هم دانشمند و هم مؤمن بود. مقابله با شاه تنها مبارزه سیاسی نبود بلکه ابعاد فکری و فرهنگی هم داشت و «تشکیل حکومت اسلامی» هدف اصلی حضرت امام خمینی (ره) در انقلاب بود چون ایشان اساساً به «اصلاح از بالا» باور

